

اضطراب و فرسودگی دانشجویان با مجازی شدن دانشگاهها

تهران (پانا) - رتبه‌اش ۱۰ شد، کلی درس خواند تا همان دانشگاهی که می‌خواهد قبول شود، اما چه اتفاقی افتاد که تا امروز دانشگاه مورد علاقه‌اش را هنوز به چشم خود ندیده؟ کرونا آمد و گفتند کلاس‌ها مجازی برگزار می‌شود؛ بنابراین تا امروز نه تنها دانشگاهی را که در آن قبول شده ندیده که حتی پایش را هم به شهری که دانشگاهش آنجاست نگذاشته.

به‌ZWNJ& گزارش ایران، باورت می‌ZWNJ& شود؛ حتی برای ثبت‌ZWNJ& نام گفتند مدارک را با پست ارسال کن؟ من در یک شهر کوچک زندگی می‌ZWNJ& کنم؛ با خودم گفتم حسابی درس بخوانم تا به تهران بیایم و از امکانات دانشگاه و کتابخانه‌ZWNJ& اش استفاده کنم حالا، حال و روز ما را ببین! روزها حسرت می‌ZWNJ& خورم که آنچه را از دست داده‌ZWNJ& ام دیگر بر نمی‌ZWNJ& گردد و همه اینها افسرده‌ZWNJ& ام کرده است. »

اینها فقط حرف‌ZWNJ& ها و دغدغه‌ZWNJ& های این دانشجو نیست، خیلی از دانشجویانی که می‌ZWNJ& شناسم این روزها حرف‌ZWNJ& های مشابهی دارند؛ اینکه فکر می‌ZWNJ& کرده‌ZWNJ& اند شرایطی که کرونا به وجود آورده موقتی است و آنها یکی دو ترم را در خانه و پشت سیستم کامپیوترشان می‌ZWNJ& گذرانند و تمام؛ اما با طولانی شدن این روند، خسته، کلافه و افسرده شده‌ZWNJ& اند. خیلی‌ZWNJ& هایشان می‌ZWNJ& گویند یعنی این شرایط تمام می‌ZWNJ& شود؟ آیا دوباره می‌ZWNJ& توانند به فضای درس و دانشگاه بازگردند؟ آیا می‌ZWNJ& توانند تجربیاتی که روزی خوابش را می‌ZWNJ& دیدند از سر بگذرانند؟ آیا روزهایی که از دست رفته قابل جبران هست؟

« من هنوز کارت دانشجویی‌ZWNJ& ام را نتوانسته‌ZWNJ& ام بگیرم. به یکی از هم‌کلاسی‌ZWNJ& ها گفتم عکسش را برایم بگیرد و بفرستد. تا به حال توی کتابخانه دانشگاه پا نگذاشته‌ZWNJ& ام؛ حداقل اجازه بدهند، خوابگاه‌ZWNJ& ها باز شود تا ما هم بتوانیم کمی از امکانات دانشگاهی که کلی برای قبول شدن در آن زحمت کشیده‌ZWNJ& ایم، استفاده کنیم. کسی که رتبه خیلی بالاتری هم دارد دقیقاً الان شرایط من را دارد، آیا همه اینها کلافه کننده نیست؟ فرق الان من با کسی که کلاً مجازی درس می‌ZWNJ& خواند چیست؟ »

این نظر یکی از استادانی است که نمی‌ZWNJ& خواهد اسمی از او در این گزارش آورده شود: « راستش واقعاً شرایط سختی شده و من افسردگی و کلافه شدن را در میان دانشجویها می‌ZWNJ& بینم. کاش کسی به فکر روح و روان آنها باشد. من آدم مثبت اندیش و آرامی هستم و معمولاً همه را دعوت به آرامش می‌ZWNJ& کنم اما یک بار سر کلاس گفتم دیگر نمی‌ZWNJ& توانم به این روش ادامه بدهم چون مدام اینترنت قطع می‌ZWNJ& شد درحالی که بعضی‌ZWNJ& ها همایش داشتند. دائم داخل کلاس می‌ZWNJ& شدم و بعد به بیرون پرت می‌ZWNJ& شدم. فشارهای بیرونی هم هست این همه خبر مرگ و روزهای سیاه که می‌ZWNJ& دائم فقط مخصوص من و دانشجویها نیست اما همه اینها فشار مضاعف است. اگر وضعیت به همین منوال پیش برود دیگر کلاس جدیدی انتخاب نمی‌ZWNJ& کنم. »

این استاد صاحب‌نام یکی از رشته‌ZWNJ& های علوم انسانی ادامه می‌ZWNJ& دهد: « در رشته‌ZWNJ& های علوم انسانی تا قبل از ماجرای کرونا مدام در کلاس بحث و صحبت بود. استاد و دانشجو خیلی شرایط کلاس را عوض می‌ZWNJ& کردند اما الان دانشجو در فضای مجازی نهایتاً تایپ می‌ZWNJ& کند یا گاهی اجازه صحبت می‌ZWNJ& گیرد. آنقدر هم شرایط فراهم نمی‌ZWNJ& شود که بحث کنیم. گاهی می‌ZWNJ& فهمی دانشجو دارد وسط خیابان بحث می‌ZWNJ& کند و صدای موتور و ماشین می‌ZWNJ& آید یا لم داده روی مبل خانه‌ZWNJ& اش و وسط خواب نیمروزی یک چیزی می‌ZWNJ& گوید. این فضا روح و روان را فرسوده می‌ZWNJ& کند. من گاهی احساس می‌ZWNJ& کنم در خلأ صحبت می‌ZWNJ& کنم. سکوت کلاس آدم را می‌ZWNJ& گیرد. »

مریم دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی است و همه اینها را در دو ترم دانشگاهش تجربه کرده: «م وقتی خودم همایش می‌دادم دائم از خودم می‌پرسیدم اصلاً بچه‌ها به من گوش می‌دهند؟ یک هفته کامل برای کارم زحمت کشیدم اما وقتی چهره‌ها را نمی‌بینی خواه ناخواه این سؤال برای پیش می‌آید که اصلاً کسی به تو گوش می‌دهد یا نه؟ وقتی سر کلاس حضوری هستی به هر حال آدم‌ها و عکس العمل‌شان را می‌بینی اما در فضای مجازی لزوماً این اتفاق نمی‌افتد. همه اینها فرسودگی می‌آورد. ترم قبل بچه‌ها بیشتر با هم بحث می‌کردند و شور و اشتیاق بیشتر بود اما این ترم می‌بینم انگار همه شورشان را از دست داده‌اند. انگار همه دچار کرختی شده‌اند. من فکر می‌کنم اگر فضا همین طور پیش برود مدام اشتیاق دانشجویها برای درس خواندن کمتر می‌شود. قبلاً همه شرایط را موقت می‌دانستند، اما الان می‌گویند ممکن است این شرایط ادامه پیدا کند و حتی امتحانات هم معلوم نیست حضوری باشد. همه اینها احساس سرخوردگی ایجاد می‌کند و آدم دائم احساس بدشانسی می‌کند؛ اینکه دورانی از زندگی‌اش از دست رفته که دیگر بر نمی‌گردد؛ حتی یک بار یکی از استادان ما گفت کاش شرایط کمی خوب می‌شد و ما می‌توانستیم چند جلسه‌ای همدیگر را ببینیم تا لاقلاً بفهمیم با چه کسانی کلاس داریم»؛

ثمین دانشجوی شیمی است. او اوایل به خاطر کم شدن فشار درس‌ها خوشحال بود توی خانه درس می‌خواند اما این روزها احساس کاملاً متفاوتی دارد: «در هر صورت توی خانه درس خواندن راحت تر است، اما بعد از گذشت یک سال و نیم چون سال بعد هم سال آخر دانشگاهم است دیگر این شرایط برایم سخت شده و دوست ندارم توی خانه بمانم. دوست دارم بروم دانشگاه و آزمایش‌ها را عملی انجام دهم. رشته ما کلی درس عملی دارد»؛

ثمین می‌گوید این روزها بشدت افسرده شده و دلش نمی‌خواهد این روال ادامه پیدا کند: «حجم درس‌ها قبلاً بیشتر بود اما حالمان بهتر بود. همین که بچه‌ها را می‌دیدیم و باهم حرف می‌زدیم کلی خوش می‌گذشت اما این روزها خیلی‌ها در حالت خواب درس می‌خوانند یا کلاس‌ها را می‌گذرانند. قبلاً بچه‌ها در کلاس حضوری با انگیزه بیشتری درس می‌خواندند و رقابت بیشتری داشتیم»؛ نگرانی ثمین از آن جهت بیشتر است که فقط یک سال تا فارغ‌التحصیلی‌اش مانده و ممکن است درسش درحالی تمام شود که کرونا همچنان باشد و این یک سال آخر هم مجازی بگذرد.

او می‌گوید: «باز هم خوش شانس بودم که دو سال دانشگاه واقعی را تجربه کردم. اما خیلی‌ها شروع دانشگاه‌ها را برای‌شان همین طوری بود و به نظر من این فرصت دیگر برایشان بر نمی‌گردد. اتفاقی که برای ما افتاد غیرقابل جبران است. من فکر می‌کنم دوره دانشجویی من در دوره کارشناسی کاملاً از دست رفت. ما می‌توانستیم کلی تجربه‌های هیجان انگیز داشته باشیم اما تمام این تجربه‌ها را از دست دادیم و به جایش با خانه‌نشینی روزگار گذرانیم. همه اینها افسرده کننده است. مگر چه سرگرمی در خانه داریم؟ دائم در دنیای مجازی هستیم؛ درس مجازی، کتاب خواندن مجازی، همه چیز مجازی است. این سن برای من دیگر تکرار نمی‌شود و من مجبورم به این روال ادامه دهم چون کار دیگری از دستم بر نمی‌آید»؛

او دانشجوی معماری است و درباره مشکلات خاص این رشته می‌گوید: «مشکلات کلاس آنلاین را که خودتان بهتر می‌دانید نبود صدا و تصویر درست و هزار بدبختی که درباره‌هاش هزار بار گفته‌ایم. علاوه بر این رشته‌ها من بیشتر عملی است و باید ببینم تا یاد بگیرم و این پشت سیستم غیرقابل فهم است. ما نیاز داریم پیش هم باشیم و یک چیزی را رسم و طراحی کنیم. جاهای مختلف را ببینیم و... کارهای ما ضعیف شده. وقتی کنار هم بودیم جو بهتری داشتیم و حالمان بهتر بود. این خانه نشینی واقعاً ناراحت کننده است»؛

زهرا دانشجوی تربیت بدنی است. او هم مشکلات خاص خودش را دارد: «ما این همه پول کلاس عملی برای والیبال و شنا می‌دهیم اما تا حالا رنگ استخر و باشگاه را هم ندیده‌ایم. هر واحد ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است. حالا بگذارید برایتان بگویم کلاس‌های ما چطور می‌گذرد؛ استاد می‌گوید درباره یک حرکت بیایید حرف بزنید و عملاً کلاس با صحبت ما درباره حرکات می‌گذرد. این اصلاً حس و حال دانشگاه و یک کار عملی را نمی‌دهد و آدم را دلگیر و خسته می‌کند. قبلاً خوشحال بودیم می‌رویم توی زمین توپ می‌زنیم

و شنا می‌کنیم. طبیعتاً دیگر آن حال و هوا اصلاً نیست. از آن طرف یک خوبی دارد؛ اصلاً غیبت نمی‌خوریم و در هر حال می‌توانیم در کلاس درس حاضری بزنیم اما یک دوره عمرمان رفت و دیگر بر نمی‌گردد. زهرا می‌گوید از ابتدای دوره کارشناسی‌اش اوضاع همین بوده چون او از کاردانی به کارشناسی آمده؛ این‌که کلاس بروی بعد هم با دوستانت بروی بیرون، انگار دیگر قرار نیست برای ما تکرار شود.

کرونا خیلی چیزها را تغییر داده شاید اگر تا همین چند سال پیش می‌گفتند روزی می‌رسد که دانشجویی دانشگاه قبول شود اما هرگز رنگ دانشگاهش را نبیند حرف‌هایش را باور نمی‌کردیم یا باور نمی‌کردیم کسی همانجا پای سیستم کامپیوترش بتواند مدرک شیمی یا تربیت بدنی بگیرد اما همه اینها اتفاق افتاده و ملالش غیر قابل تحمل شده. چه کسی می‌داند در آینده چه اتفاق دیگری خواهد افتاد.